

# اطلاعات شناسی

# INFORMIOLOGY

## چکیده

از آنجا که موضوع اصلی ژئوپلیتیک یعنی بررسی و مطالعه روابط و پیوندهای فرامرزی میان واحدهای سیاسی در مقیاسهای محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، شباهت زیادی با موضوعات مورد مطالعه در سایر رشته‌ها همچون ژئواکونومیک دارد. همین امر موجب علت ایجاد دو دانش، نسبت آنها با یکدیگر و مفاهیم و موضوعات مشترک میان این دو بحث گردیده است. از سوی دیگر، اهمیت کسب اطلاعات بر هیچ کس پوشیده نیست. توانایی کنترل اطلاعات پایه اصلی و اساسی حیات دولت‌ها و شرکت‌های بازرگانی در جهان کنونی است. این امر عنصر اساسی روابط بین‌المللی، دادوستدهای بازرگانی، قدرت اقتصادی، نیروی دفاعی و پیوندهای صلح و دوستی است و در یک جمله، «اطلاعات یعنی قدرت». از آنجا که اطلاعات به مثابه ابزاری برای اعمال قدرت تلقی می‌شود، در حوزه علوم سیاسی و به دنبال ارتباط ننگانگی که با توسعه اقتصادی دارد، در حوزه اقتصادی جای گرفته است. لذا تشریح ارتباط متقابل میان جغرافیای سیاسی و اقتصادی در حوزه اطلاعات ضروری می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک، اطلاعات، ژئواکونومی.

## ژئوپلیتیک و ژئواکونومی

## اطلاعات: تشریح ارتباط متقابل

### ژئوپلیتیک و ژئواکونومی اطلاعات: تشریح ارتباط متقابل

لیلا نمستی انارکی<sup>۱</sup>

#### مقدمه

درک کامل هر بخش از هستی بدون شناخت سایر بخش‌ها ممکن نخواهد بود. مرزبندی میان علوم به منظور شناخت بهتر و ژرف‌تر پدیده‌های جهان بوده و این امر حاصل جدایی ماهوی علوم از یکدیگر نیست. البته روشن است که توسعه دانش بشری متضمن آگاهی بیش‌تری از پیوند میان اجزای هر کلش از دانش در درون خود و هم‌چنین جایگاه و نسبت آن با سایر دانش‌های هم‌مرز و هم‌سایه بوده است. انسان برای درک علوم مختلف باید بتواند مرز میان دانش‌های نزدیک و هم‌مرز با آن دانش را بیابد. با توجه به جوان بودن ژئوپلیتیک و ژئواکونومی اطلاعات تعیین مرز و جایگاه آنها با یکدیگر تأثیر بسزایی در فراگیری و درک هرچه بهتر مفاهیم دارد.

انسان‌ها برای ایجاد تمایز میان خود و دیگران از هر پدیده طبیعی و غیرطبیعی استفاده کرده‌اند. به گونه‌ای که امروزه مفهوم مرز در بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین مقیاس بین قاره‌ها، مناطق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، کشورها و حتی شهرها و روستاها نیز مشاهده می‌شود. این مرزبندی‌ها اکنون براساس مذهب، ملیت، منافع اقتصادی، سیاسی و سایر دسته‌بندی‌ها شکل گرفته و مدام دچار تغییر و تحول می‌شود. نمونه بارز این‌گونه مرزبندی‌ها شکل‌گیری دو بلوک شرق و غرب بعد از جنگ جهانی با تقسیم جهان به سه قسمت جهان اول (کشورهای توسعه یافته)، جهان دوم (کشورهای در حال توسعه) و جهان سوم (کشورهای توسعه نیافته) با تقسیم جهان به شمال و جنوب یا مرکز

۱. دانشجوی دکتری کتبداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده علوم انسانی، ایران.

بوده که چالش برانگیزترین تقسیم‌بندی و با تلقی موجود از جهان بوده و هست. همه این تقسیم‌بندی‌هایی که مورد اشاره قرار گرفت، حکایت از شکل‌گیری نوع دیگری از جغرافیا دارد که روابط و مناسبات حاکم بر فضای بستری آن متفاوت از روابط و مناسبات حاکم بر جغرافیای سنتی است که از آن به جغرافیای سیاسی تعبیر می‌شود. از طرفی در عصر اطلاعات و ارتباطات، اطلاعات به عنوان کالایی مهم و تعیین‌کننده در سرنوشت ملت‌ها و تأثیرگذار مناسبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مطرح گردیده است (کستلر، ۲۰۰۰) به گونه‌ای که تولید، توزیع و مصرف اطلاعات به عنوان شاخص برای دسته‌بندی افراد، ملت‌ها و مناطق جغرافیایی در قالب ثروتمندان و فقیران اطلاعاتی در آمد و بر همین مبنا فضایی متمایز از دو فضای جغرافیایی سابق (سنتی و سیاسی) شکل گرفت که از آن به جغرافیای سیاسی اطلاعات تعبیر می‌شود.

با پایان جنگ سرد، در قرن حاضر، شاخص قدرت رهبری برای کشورهای سرمایه‌دار و قدرتمند جنگی در صحنه بین‌المللی، دیگر قدرت نظامی نیست، زیرا در حال ورود به عصری هستیم که نزاع مستقیم و رودررو، که نیازمند پشتیبانی نیروهای نظامی است، فرصت بروز پیدا نخواهد کرد. امروزه قدرت در حالت طبیعی‌اش بر عواملی بدون توسل به زور و قدرت نظامی تأکید دارد. علاوه بر آن، قدرت ملی ارتباط مستقیم با درک مفاهیم اقتصاد ملی دارد. در دنیایی که به سرعت به سمت اقتصاد جهانی پیش می‌رود، اهداف و منافع سیاست ملی موضوعی برای اهداف و منافع اقتصادی می‌شود (عزنی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶).

در این مقاله ابتدا تعریفی از ژئوپلیتیک اطلاعات ارائه خواهد شد، در ادامه پیچیدگی پیدایش و ویژگی‌های ژئواکونومی توضیح داده خواهد شد، پس از آن حرکت از ژئوپلیتیک به ژئواکونومی اطلاعات مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در مرحله بعد با مروری بر مرزهای سیاسی و تفکر اقتصاد محوری به حوزه اقتصاد اطلاعات و نقش اطلاعات در ابعاد مختلف توسعه پرداخته می‌شود. در انتها به روابط فرامابین در جغرافیای سیاسی و اقتصادی اطلاعات، جریان آزاد اطلاعات و شکاف اطلاعاتی که ماحصل چالش‌های متعدد در دسترس به اطلاعات است بیان شده و در نهایت نتیجه‌گیری مطرح خواهد شد.

## ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی اطلاعات

برای ارائه تعریفی از مفهوم «ژئوپلیتیک اطلاعات» لازم است ابتدا تعریفی از جغرافیا و جغرافیای سیاسی بیان کرد.

جغرافیا علمی است که رابطه میان انسان و زمین را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

I. Castells

جغرافیای سیاسی مفهومی است که تاکنون تعاریف بسیاری برای آن ارائه گردیده که هر یک به جنبه‌ای از عملکردها و زمینه‌های آن اشاره دارد. در این جا به چند تعریف از این مفهوم می‌پردازیم:

جغرافیای سیاسی علمی است که نقش سیاست را در جغرافیا بررسی می‌کند. ژئوپلیتیک یکی از موضوعات مورد بحث در جغرافیای سیاسی است و کار اصلی آن استفاده از اطلاعات و نقطه‌نظرهای جغرافیایی در سیاست خارجی دولت است. در واقع، جنبه کاربردی جغرافیای سیاسی به ویژه در ژئوپلیتیک جلوه‌گر می‌شود. ژان گائمن جغرافیدان سیاسی معاصر معتقد است «اگر سطح زمین مانند توپ بیلیارد صاف و صیقلی بود در آن صورت هیچ توجیهی برای مطالعه و بررسی این گونه مسائل وجود نداشت» (عزنی، ۱۳۸۲).

اما تقریباً جامع‌ترین تعریف از ژئوپلیتیک متعلق به ایزس جانسون در فرهنگ جغرافیایی انسانی است. بدین مضمون که در سیر تطور ژئوپلیتیک سه رویکرد در قرن بیستم مهم است:

۱. رویکرد ستی (در نیمه اول قرن بیستم) که با نظریه‌های عموس قدرت، آب، و خشکی همراه بود.

۲. رویکرد روابط قدرت که بر ویژگی سلسله‌مرانی دولت‌ها در یک نظام جهانی و موازنه قدرت تأکید دارد.

۳. رویکرد اقتصادی سیاسی، بر نقش تحولات اقتصاد جهانی و بازیگری کشورها تأکید دارد (میرحیدر، ۱۳۸۶).

به لحاظ علمی جغرافیای سیاسی ستی با جغرافیای سیاسی نوین تفاوت دارد. در گذشته از پیوند میان جغرافیا و سیاست، چنین استنباط می‌شد که جغرافیای طبیعی به عنوان متغیر مستقل، دارای نقشی کلیدی در شکل دادن به انواع نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. اما امروزه مفهوم مکان چیزی بیش‌تر از یک موقعیت جغرافیایی بر روی نقشه است (مور، ۱۳۷۹).

در این مقطع، به راحتی می‌توان دریافت که ژئوپلیتیک اطلاعات، در واقع، جزئی از بررسی تنش‌های حاصل از تولید، توزیع و مصرف اطلاعات در فضای سیاسی است. به بیان دیگر، برای ارائه تعریفی دقیق از ژئوپلیتیک اطلاعات بایستی برش‌های متعددی از زاویه دید گامی جغرافیای سیاسی داشته باشیم.

۱. نگرش جهانی به انتظام در تولید اطلاعات.

۲. نگرش جهانی به انتظام در توزیع اطلاعات.

۳. نگرش جهانی به انتظام در مصرف اطلاعات.

۲. پیوند تولید، توزیع، و مصرف اطلاعات با فرایندهای ارتباطی در جهان.

۵. جامعه اطلاعاتی، و محدودیت‌های آن (میرحیدر، ۱۳۸۶).

و در واقع مطالعه فضای سرزمینی متحرک است که تولید، توزیع، و مصرف اطلاعات به عنوان عوامل شکل‌دهنده مرزهای قلمروی آن محسوب می‌شود و در این فضای متحرک جایگاه هر موجودیت سیاسی به میزان تأثیرگذاری آن در فرایند تولید، توزیع، و مصرف اطلاعات بستگی دارد. در این جغرافیا، فضای شمال - جنوب و مرکز تقسیم‌بندی عمده در معاملات سیاسی است (حسن‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲).

در تعریف فوق، چندین ویژگی بارز جغرافیای سیاسی اطلاعات به صورت برجسته نمایان است:

۱. فضای سرزمینی جغرافیای سیاسی اطلاعات در مقایسه با فضای تقریباً ثابت جغرافیای سنتی، از تحرک و پویایی برخوردار است؛ بنابراین، نمی‌توان مرز کاملاً مشخصی برای تقسیم‌بندی‌های سیاسی - اطلاعاتی ترسیم کرد.

۲. مرزهای مناطق در جغرافیای سیاسی اطلاعات، برعکس مرزبندی‌های رایج و نمایان در جغرافیای سنتی، براساس تولید، توزیع، و مصرف اطلاعات و اخبار شکل می‌گیرد. به این معنی که مراکز عمده تولید، توزیع و مصرف اطلاعات به عنوان نقاط کانونی و تأثیرگذار در معاملات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دنیا تلقی می‌شوند. سبزه بر نقاط کانونی مذکور به معنای سبزه بر نبض اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهان نیز به حساب می‌آید.

۳. برعکس جغرافیای سنتی که از شمال - جنوب، شرق و غرب و نظیر آن تشکیل شده بود در جغرافیای سیاسی اطلاعات بیش‌ترین توجه به شمال - جنوب و مرکز است (حسن‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲).

با توجه به این موارد می‌توان چنین نتیجه گرفت که این علم مقام در حال تغییر است، از یک سو افزایش قدرتی که بر اثر روابط بین‌المللی و معاملات جغرافیایی و اطلاعاتی صورت می‌گیرد و از طرف دیگر، ارتباط تکنولوژی و توسعه اقتصادی را می‌توان مشاهده کرد (Geopolitics of information technology, 2007, p. 10).

در ژئوپلتیک اطلاعات، سه موضوع اساسی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. روابط داده‌های نوین اطلاعاتی با قدرت‌های سرزمینی، منطقه‌ای و ملی.

۲. قدرت‌های اقتصادی.

۳. زمینه‌های فرهنگی و سیاسی (ژئوپلتیک اطلاعات: سیاست جغرافیایی در قلمرو اطلاعات).

رائسل می‌گوید: «از نظر سیاسی مهم‌ترین موضوع، انتقال اطلاعات تمام سرویس‌های

ارتباطاتی است. با در نظر گرفتن اهمیت انتقال اطلاعات و تحولاتی که در شیوه‌ها و وسایل ارتباطی پدید آمده، در این زمینه باید به دو نکته توجه کرد: ۱) قدرت سیاسی و ایجاد شبکه‌های اطلاع‌رسانی؛ و ۲) شبکه‌های اطلاعاتی دولتی (تلگراف، تلفن و...) اکنون اطلاعات و ارتباطات را در رابطه با اقتصاد و مسائل مالی نمی‌توان نادیده گرفت. از آن‌جا که از آغاز قرن نوزدهم شاهد جهانی شدن اقتصاد و انکار فضا و مکان هستیم و با در نظر گرفتن اهمیت انتقال اطلاعات و تحولاتی که در شیوه‌ها و وسایل ارتباطی پدید آمده، باید توجه داشت که از یک سو ارتباطات فضایی (معماره‌ای)، شریانی بزرگ و اساسی ایجاد کرده است که مرزها را از بین می‌برد از سوی دیگر با گذشت زمان و رشد فن‌آوری‌های ارتباطی و راهپایی مؤثر اطلاعات به مناسبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نقش اطلاعات و ارتباطات را در رابطه با اقتصاد و مسائل مالی نمی‌توان نادیده گرفت. آینده در دست قدرتهایی است که از استراتژی‌های اطلاعاتی محصور نمی‌درند. قالب بحث اطلاعات و قدرت اقتصادی استفاده می‌کنند. از این‌رو، لازم است به تعریف و بررسی مفهوم اقتصاد، هم‌چنین قلمرو وسیع تر آن یعنی ژئواکونومی و در نهایت به تعریف و توصیف ژئواکونومی اطلاعات، پرداخته شود.

## ژئواکونومی

اقتصاد اساس شکل‌گیری قلمرو و مرزبندی‌های ژئواکونومیک است (عزتی، ۱۳۸۵، ص ۲۸). علم اقتصاد عبارت است از مجموعه شناخت‌های عینی رفتارهای انسان که نهایت‌شان تأمین نیازهای انسانی است. این علم موضوع مورد علاقه اقتصاددانان، مدیران شرکت‌های جهانی و فراملی است که شرکت فعال در اقتصاد جهانی دارند.

ژئواکونومی عبارت است از تحلیل استراتژی‌های اقتصادی بدون در نظر گرفتن سود تجاری که از سوی دولت‌ها اعمال می‌شود به منظور حفظ اقتصاد ملی و به دست آوردن کلیدهای کنترل آن از طریق ساختار سیاسی و خط‌مشی‌های مربوط به آن که در نتیجه آن دولت می‌تواند کنترل و اقتدار تمام منابع تولید و بخش‌های کلیدی اقتصادی را به دست بگیرد و به استحکام بخشیدن فعالیت‌های اقتصادی و قدرت‌های اقتصادی بپردازد (باری، ۱۳۸۵). این دانش رابطه بین قدرت و فضا را بررسی می‌کند. فضای بالقوه و در حال سیلان همواره حدود و مرزهایی در حال تغییر و تحول است. از این‌رو، آزاد از مرزهای سرزمین و ویژگی‌های فیزیکی ژئوپلیتیک است. در نتیجه تفکر ژئواکونومی شامل ابزارآلات لازم و ضروری است که دولت می‌تواند از طریق آنها به کلیه اهدافش برسد. در نهایت همه استراتژی‌های ژئواکونومی شامل بیش‌ترین حوزه قلمرو و توسعه کشورهاست (عزتی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰).

اندواید ان. لوتواک<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۰ م. پارادایم ژئواکونومی را با مفهوم گسترده وارد علوم جغرافیایی و سیاسی کرد. وی حیر از آمدن نظام جدید بین‌المللی در دهه نود داد که در آن عوامل اقتصادی جایگزین اهداف نظامی می‌شوند و عامل درگیری‌ها دیگر موضوعات دوران گذشته نیست بلکه در کنار هر تنشی یک عامل اقتصادی خودنمایی می‌کند (کمپ، ۱۳۸۳، ص ۱۰۷). لوتواک، جغرافیای اقتصادی (ژئواکونومی) را در جهان حاضر مرکزیت قرار داده است و بیان می‌دارد که ژئواکونومیک می‌تواند به وسیله جغرافی دانان و پژوهشگران مرزها، از طریق مناطق هم مرز و تغییرات منطقه‌ای مورد بررسی قرار گیرد (اسپارک<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸، ص ۹۸-۶۲).

ژئواکونومی حرکت از اقتصاد صنعتی مبتنی بر بخش‌ها و مرزها و کنترل سلسله‌مراتبی، به سمت اقتصاد جهانی غیرمتمرکز و دانش‌محور است. بنابراین، دولت‌ها باید ضمن حفظ توانایی‌های اصلی، قادر به تنظیم مجدد هویت جمعی، صرف‌نظر از فاصله‌های جغرافیایی باشند. به نظر می‌رسد ژئواکونومی مفهومی است که ورود موضوع اقتصاد را به صحنه جهانی، به ویژه به لحاظ انگیزه سوداگری، مورد توجه قرار می‌دهد (عزتی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸). اقتصاد جهانی دستخوش یک تغییر ساختار اساسی سوگرفته توسط دو عامل جهانی شدن و انقلاب در فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات است. از طرفی واژه ژئواکونومی آغازی برای شعار جهانی شدن از زمان قدرتمندان جهان است؛ زیرا اهداف آنها از قبل مشخص شده و تماماً برای به زیر سلطه بردن کشورهای ضعیف و یا در حال توسعه است (باری، ۱۳۸۵).

جهانی شدن پدیده‌ای فراگیر است که تمام عرصه‌های زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است. از بین رفتن فاصله‌ها و دسترسی به تمامی نقاط دنیا، رشد فزاینده علم و تکنولوژی، تحول سریع تکنولوژی اطلاعات، فشرده‌گی زمان و مکان و در پی آن تبدیل دنیا به دهکده جهانی، از جمله خصوصیات بارز این پدیده است. جهانی شدن در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تأثیر شگرفی بر جوامع داشته است. این پدیده تأثیرات عمیقی بر ساختار اقتصادی کشور به جای می‌گذارد و اقتصاد کشور را بیش از پیش در رابطه با تحولات جهانی آسیب‌پذیر می‌سازد به گونه‌ای که بدون سالم‌سازی ساختارها، شگفت‌گی اقتصادی جبران‌ناپذیر خواهد بود. از محدودیت‌های موجود بر سر راه جهانی شدن اقتصاد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

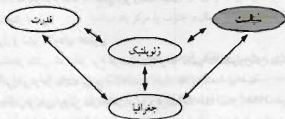
- عدم گسترش فن‌آوری اطلاعات و نبود زیرساخت‌ها.
- نبود آزادی لازم برای تحرک عوامل تولید بین کشورهای جهان (هودر، ۱۳۸۵، ص

۲۲۵-۲۲۳).

انقلاب در فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات به سرعت اقتصاد، فرهنگ، و سیاست

1. Edward N. Luttwak  
2. Spack

ص ۳۶). برآیند رابطه متقابل این سه عنصر را در قالب مدل ۱ می‌توان مشاهده نمود. در این مدل، جغرافیا در سه حوزه فضا، محیط و انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در حوزه فضا، تعامل‌های فضایی، حوزه‌های نفوذ، سیستم‌ها و ساختارهای فضایی مدنظر هستند. عنصر سیاست نیز در سه حوزه ایدئولوژی و اندیشه‌های سیاسی، ساختارها، سیستم‌های سیاسی نظیر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای اجتماعی و مدنی و نیز کنش و رفتارهای سیاسی که از سوی بازیگران در پیش گرفته می‌شود مدنظر است. عنصر قدرت در هر سطحی و در هر بعدی چه از نظر تولید و چه از نظر کاربرد و چه از نظر الگوهای پخش و رده‌بندی به نحوی از عناصر دیگر، یعنی جغرافیا و سیاست متأثر بوده و متقابلاً بر آنها تأثیر می‌گذارد (حافظنیا، ۱۳۸۵، ص ۳۷).



تصویر ۱. مفهوم ژئوپلیتیک از نظر حافظنیا

اما در ژئواکونومی که از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است، به نظر می‌رسد سیاست که عاملی مهم در ژئوپلیتیک بوده، جای خود را به اقتصاد داده است (تصویر ۲).



تصویر ۲. دیاگرام ژئواکونومی (نقل در عزتی، ۱۳۸۵)

اما این موضوع به این معنا نیست که ژئواکونومی چیزی غیر از ژئوپلیتیک و یا در برابر



جهان را دستخوش دگرگونی می‌کند و جهان را عملاً به یک دهکده جهانی تبدیل می‌نماید. دانش، قدرت محسوب می‌شود و از طریق ارتباطات و اطلاعات با دیگران تقسیم می‌شود. فن‌آوری‌های اطلاعاتی در افزایش محصولات و رشد اقتصادی مؤثرند. تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی کلیدی برای توسعه اقتصادی هستند. آنها موقعیت‌هایی را برای تعاملات جهانی فراهم می‌آورند. فن‌آوری‌های اطلاعاتی هم چنین می‌تواند در رشد اقتصادی و اجتماعی تأثیر گذار باشد، باعث قدرتمندسازی جوامع گردند و اثربخشی و کارایی بخش‌های عمومی را افزایش دهند. در کشورهای جهان سومی به هیچ عنوان نمی‌توان سیاست را از جغرافیا، اقتصاد و محیط زیست جدا کرد. در سیاست، روابط خارجی و روابط اقتصادی بسیار حائز اهمیت است (کولایی، ۱۳۸۶، صص ۲۷-۲۲). بنابراین، باید به چگونگی حرکت از ژئوپلیتیک به سوی ژئواکونومی واقف بود.

#### از ژئوپلیتیک تا ژئواکونومی

این دو واژه به دلیل آن‌که در ابتدای آنها کلمه ژئو آمده در تشریح صحیح آن اشتلاف نظرهای زیادی وجود دارد. در این جا سعی می‌کنیم به بیان چگونگی ایجاد واژه ژئواکونومی، حرکت از ژئوپلیتیک به ژئواکونومی و تفاوت این دو واژه بپردازیم. بعد از عبور از سال‌های جنگ جهانی اول و دوم و فروپاشی روسیه در تمامی کشورهای جهان نوع تفکرات استراتژی دچار تغییر و تحولاتی شگرف شد. به صورتی که کشورهای قدرتمند در یافتن که هزینه‌های سنگین تسلیحات و هم‌چنین افزایش امکانات و ابزارالات نظامی برای دستیابی به اهداف سیاسی دیگر کارایی ندارد و بایستی استراتژی نظامی جای خود را به استراتژی‌های اقتصادی بدهند. در واقع، جایگزین شدن استراتژی اقتصادی برای رسیدن به اهداف کلی سیاسی در تمام جهان خیلی کارآمدتر به نظر می‌رسد. از این جا بود که واژه ژئواکونومی مطرح گردید (یاری، ۱۳۸۵)، که ترکیبی است از ژئوپلیتیک سستی، قدرت، و اقتصاد در مقیاس جهانی. در قرن بیست و یکم با تغییر و تحولاتی که در تفکرات استراتژی جهانی صورت گرفت مفاهیم ژئوپلیتیک در کنار مفاهیم ژئواکونومی در مقیاس جهانی قرار دارند و اهداف سیاسی کلیه ملل بر اساس این نوع نگرش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ژئوپلیتیک مطالعه رابطه بین انسان است، به عنوان عامل و بازیگر تقدیر و سرنوشت، و فضا و عوامل محیطی آن به منظور جامعه عمل پوشاندن به اهداف استراتژی ژئوپلیتیک کشور. به نحوی که با کم‌ترین تعارض همراه باشد این علم مطالعه «روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر است» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵).

ص ۳۶). برآیند رابطه متقابل این سه عنصر را در قالب مدل ۱ می‌توان مشاهده نمود. در این مدل، جغرافیا در سه حوزه فضا، محیط و انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در حوزه فضا، تعامل‌های فضایی، حوزه‌های نفوذ، سیستم‌ها و ساختارهای فضایی مدنظر هستند. عنصر سیاست نیز در سه حوزه ایدئولوژی و اندیشه‌های سیاسی، ساختارها، و سیستم‌های سیاسی نظیر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای اجتماعی و مدنی و نیز کشش و رفتارهای سیاسی که از سوی بازیگران در پیش گرفته می‌شود مدنظر است. عنصر قدرت در هر سطحی و در هر بعدی چه از نظر تولید و چه از نظر کاربرد و چه از نظر الگوهای پخش و رده‌بندی به نحوی از عناصر دیگر، یعنی جغرافیا و سیاست متأثر بوده و متقابلاً بر آنها تأثیر می‌گذارد (حافظنیا، ۱۳۸۵، ص ۳۷).



تصویر ۱. مفهوم ژئوپلیتیک از نظر حافظنیا

اما در ژئواکونومی که از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است، به نظر می‌رسد سیاست که عاملی مهم در ژئوپلیتیک بوده، جای خود را به اقتصاد داده است (تصویر ۲).



تصویر ۲. دیاگرام ژئواکونومی (نقل در عزیزی، ۱۳۸۵)

اما این موضوع به این معنا نیست که ژئواکونومی چیزی غیر از ژئوپلیتیک و یا در برابر

ژئوپلیتیک است؛ بلکه ژئواکونومی جزئی از ژئوپلیتیک و یکی از اندیشه‌های ژئوپلیتیک در عصر حاضر است.

ژئواکونومی همانند ژئوپلیتیک با این شرح، روش و تفسیری برای رابطه میان انسان و عوامل محیطی در مقیاس جهانی است. به هر حال، میان این دو مفهوم وجوه افتراق زیر نمایان است:

1. ژئواکونومی محصول دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ تجاری با استراتژی‌های جهانی است؛ درحالی‌که این خصیصه در ژئوپلیتیک نیست.
  2. هدف اصلی ژئواکونومی کنترل سرزمین و دستیابی به قدرت فیزیکی نیست. بلکه دست یافتن به استیلای تکنولوژی و بازرگانی است (عزنی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۲).
- قدرت ژئواکونومیک به عوامل زیر وابسته است:

1. ساختار امنیتی
  2. پول و سایر نظام‌های اعتباری
  3. ساختار دانش: که شامل نرخ افراد تحصیلکرده، تجهیزات تکنولوژیکی، سیستم‌های آموزشی و در نهایت توزیع اطلاعات به عنوان کالای اقتصادی است.
  4. ساختار تولیدی: روش سازماندهی منابع و تولید اطلاعات (نستر، ۱۹۹۵، ص ۱۰۲).
- ادوارد لوتواک<sup>۱</sup> خبر از آمدن نظم جدید بین‌المللی در دهه نود داد که در آن ابزارآلات اقتصادی جایگزین اهداف نظامی می‌شوند، که دولت‌ها در صحنه بین‌الملل بر آن تأکید می‌ورزند و آن ماهیت ژئواکونومیک است. بعد از جنگ جهانی دوم و فروپاشی شوروی سابق و از بین رفتن نظام در قطب، تحولات عمیق تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک رخ داد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تبدیل روابط نظامی به اقتصادی
  - تبدیل روابط اقتصادی به اطلاعات و انفورماتیک (متفکر، ۱۳۸۶، ص ۱۹۳-۲۳۶).
- جغرافیای اقتصادی قوانین عینی رشد و توزیع جمعیت و اقتصاد را در سراسر جهان بررسی می‌کند. امروزه هر علمی از جمله جغرافیای اقتصادی، باید از تمامی علوم دیگر بهره گیرد. دو عامل اصلی در پیشرفت فعالیت اقتصادی تأثیر دارند که از جمله آنها محیط و منابع طبیعی را می‌توان نام برد (میرحیدر، ۱۳۸۶). در عرصه قدرت اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی، اطلاعات جایگاه خود را در کنار نفت، گاز طبیعی و فلزات راهبردی، به عنوان یک منبع بین‌المللی، جهت معامله شدن، تحریم شدن و باج‌خواهی یافت. جریان‌های «مگابایت» اطلاعات دیجیتال شده با اثرات درازمدتی که بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارند یک منبع ملموس قدرت شده‌اند.
- امروزه صحبت از ژئوپلیتیک مدرن یا اصطلاحاً «ژئوپولی‌نومی» است که در واقع،

ترکیبی نو از ژئوپلیتیک است با همه پیچیدگی هایش، سیاست با همه ویژگی های خود، و سرانجام اقتصاد که روز به روز ابعاد و عملکردهایش جهانی تر می شود (عزتی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸). از آن جا که ژئوپلیتیک اطلاعات که هم در علوم سیاسی و هم در علم اطلاعات از آن سخن می رود، مقوله ای است که تا حدودی تلاش می کند این دو پدیده را در کنار یکدیگر قرار دهد و اشکال گوناگون جریان اطلاعات و نقش و تأثیری را که این جریانها بر سیاست کشورهای مختلف دارند، مورد بحث قرار دهد، به تبع آن در ژئواکونومی اطلاعات نیز نقش و تأثیر جریان اطلاعات بر اقتصاد کشورهای مختلف مورد توجه قرار خواهد گرفت. مقصود از جغرافیا در این عبارات، آن گونه که در معنای رایج ژئوپلیتیک در نظر گرفته می شود نبوده و تجمع و تولید اطلاعات در نقاط گوناگون، خود منجر به ایجاد مرزبندی های جدیدی در دنیای کنونی شده و جغرافیای جدیدی را خلق می کند که از آن به کشورهای شمال و جنوب یا مرکز یاد می شود.

### مرزهای سیاسی و تفکر اقتصاد محوری

آنچه مسلم است در آینده مرزها حالت سبلیک پیدا خواهند کرد و تنها به عنوان جداکننده ملت ها عمل خواهند کرد، چیزی شبیه آنچه که ما امروز در بین کشورهای اروپایی شاهد آن هستیم. اگر قرار باشد که این فرایند از اندیشه به عمل درآید نه تنها علوم و فنون نظامی بلکه عملکردها خصوصاً سبلیک ارتباط را حس می کنیم، در نتیجه بین قدرت و عوامل جغرافیایی یک پیوند غیرقابل انکار به وجود می آید که نتیجه تلفیق و ترکیب آنها در نهایت منجر به تصمیمات سیاسی می شود (عزتی، ۱۳۸۶، ص ۲۳).

سیاست نیرویی است که می تواند از طریق زور و تحکم دست به ایجاد نظم بزند. سیاست تنها زمانی مشروعیت پیدا می کند که سیستم پژوهش، تولید و آموزش توان حرکت داشته باشد. حاکمیت ملی که در واقع قدرت نفوذ یک کشور بر مسیر تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی خود است تحت تأثیر حاکمیت بر اطلاعات است. تمرکز قدرت، نفوذ سیاسی و تحولات اجتماعی ناشی از اطلاعات، دلیل آشکاری بر مزایای ایجاد قطب اطلاعاتی است که سب ایجاد تغییرات بنیادین سیاسی می گردد. در جامعه سستی، ساختار قدرت را می توان از طریق انتقال دانش و آگاهی دادن به مردم تغییر داد.

اقتصادهای پیشرفته از نظر تکنولوژیکی در فرایند حرکت به فراسوی سرمایه داری صنعتی و رسیدن به اقتصاد مبتنی بر اطلاعات هستند، حرکتی که دگرگونی های ژرفی را در شکل و ساختار نظام اقتصادی آنها ایجاد خواهد کرد. پیشرفت های سریع در تکنولوژی های رایانه ای و ارتباطی از راه دور، کسب اطلاعاتی را که قبلاً غیرقابل

حصول بودند، انتقال سریع و همزمان آنها به سراسر جهان، و در مواردی فروش آنها در بازارهای اطلاعات را ممکن ساخته‌اند. در حال حاضر نیز تعدادی از کشورهای توسعه‌یافته بخش اعظم منابع اقتصادی خود را به فعالیت‌های مربوط به اطلاعات و اطلاع‌رسانی اختصاص داده‌اند.

از مدت‌ها پیش اقتصاددانان به این نکته می‌پرداختند که مهم‌ترین منبع تعیین‌کننده کارایی اقتصادی هر اقتصاد، هر صنعت، هر فرایند تولید و با هر خانواری، اطلاعات و مبادله مؤثر آن است. ویژگی‌های اطلاعات و اطلاع‌رسانی معرف وضعیت علمی و معرفتی است که خود مبنای همه فرایندهای اقتصادی و ساختارهای تصمیم‌گیری را تشکیل می‌دهد. دگرگونی‌های اساسی در ویژگی‌های اطلاعات و اطلاع‌رسانی و تغییر نقش آن در اقتصاد باید محور مطالعات مربوط به مسائل اقتصادی باشد (سامسن، ۱۳۷۲، ص ۲۸).

اهمیت کسب اطلاعات بر هیچ‌کس پوشیده نیست. توانایی کنترل اطلاعات نیز پایه اصلی و اساسی حیات دولت‌ها و شرکت‌های بازرگانی در جهان کنونی است. این امر عنصر اساسی روابط بین‌المللی، دادوستدهای بازرگانی، قدرت اقتصادی، نیروی دفاعی و بیوندهای صلح و دوستی است و در یک جمله اطلاعات یعنی قدرت و هر کشوری که به اطلاعات علمی، فنی، دفاعی، بازرگانی و مانند آن دسترسی دارد می‌تواند از رقبای خود پیشی بگیرد. در جهان کنونی، ملاحظاتی ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی به واسطه انقلاب حقیقی ناشی از تکنیک‌های نوین انتشاراتی - اطلاعاتی، عمیقاً تأثیر گرفته‌اند و داده‌های جدیدی را خلق کرده‌اند. با توجه به نقش و اهمیت اطلاعات در گستره اقتصادی، به بیان ساده‌ای چند از اقتصاد اطلاعات پرداخته خواهد شد. در جهان امروز، اطلاعات جایگاه کالای بازرگانی را به دست آورده است و می‌توان مطابق با قانون‌های عرضه و تقاضا، که بر تجارت هرگونه محصولی حاکم است، به فروش رساند. در واقع، همه کشورهای جهان، چه توسعه‌یافته و چه در حال توسعه، به اقتصاد سیاسی اطلاعات مشغولند. با این حال، کشورهای توسعه‌یافته اطلاعات را به‌سان دروندادی ضروری برای توسعه تکنولوژیکی و اقتصادی می‌دانند و به چشم کالایی قابل معادله، که می‌تواند روانه بازارهای بین‌المللی کنند به آن نگاه می‌کنند (دلورپناه، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸).

## اقتصاد اطلاعات

دایرةالمعارف پیوسته ریگیدیا اقتصاد اطلاعات را رشته‌ای از علم اقتصاد می‌داند که به مطالعه چگونگی تأثیرات اطلاعات بر تصمیمات اقتصادی می‌پردازد (دایرةالمعارف

ویکیپدیا) اقتصاد اطلاعاتی یعنی اقتصاد اطلاعات-محور، اقتصاد دانش-محور، اقتصاد دیجیتال و یا اقتصاد اینترنت را می‌توان به عنوان اولین معیار و وسیله‌ای برای پیشرفت اقتصادی نام برد که ناشی از تحولات اجتماعی و اقتصادی از سال ۱۹۶۰ تاکنون است. پژوهش‌های انجام شده در این زمینه حاکی از آن است که توجه و نگرش‌های تازه‌ای به نقش اطلاعات در اقتصاد کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته شده است.

اقتصاد مبتنی بر اطلاعات اساساً نوعی اقتصاد خدماتی است که با اقتصاد صنعتی و کشاورزی که در زمره اقتصاد تولیدی هستند تفاوت‌های کلی دارد. پدیده صنعت‌زدایی در کشورهای پیشرفته صنعتی، بازتابی از ظهور اقتصاد اطلاعاتی در این کشورهاست. اطلاعات در جهان کنونی به صورت یکی از مهم‌ترین عناصر شکل‌دهنده «عهد جدید» اجتماعی - اقتصادی درآمده است و به همین دلیل در بسیاری موارد سخن از جامعه اطلاعاتی به میان می‌آید.

جامعه اطلاعاتی، جامعه مبتنی بر دانش و اطلاعات است. نوع اصلی انتقال در این جامعه، خدمات است که به کسب اطلاعات، از نظر تولید، توزیع، کاربرد و امور سخت‌افزاری که جنبه کاملاً اجتماعی دارد می‌پردازد. جوامع اطلاعاتی معمولاً به گونه‌ای هستند که اطلاعات در این جوامع به منزله کالای اقتصادی مورد عرضه و تقاضا قرار می‌گیرد. جامعه‌ای که در آن کیفیت زندگی، گستره دگرگونی اجتماعی و توسعه اقتصادی به گونه‌ای روزافزون به اطلاعات و بهره‌وری از آن متکی باشد (نشاط، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۶۷۷). در این جامعه استانداردهای زندگی و الگوهای کار و فراغت، نظام آموزشی و فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی از پیشرفت اطلاعات و دانش فنی تأثیر می‌پذیرد. نشانه این امر، تولید رو به گسترش از رسانه‌ها، به ویژه فن‌آوری‌های چندرسانه‌ای الکترونیکی، و به‌طور کلی غلبه فن‌آوری اطلاعات در امر دنیای مدرن، برداشش و انتقال اطلاعات است (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

از دید اقتصاددانان عصر گذشته، محور توسعه اقتصادی و اجتماعی نیروی انسانی است ولی در عصر اطلاعات و فن‌آوری ارتباطات، اطلاعات مهم‌ترین عامل در دادوستد و یکی از عوامل در اقتصاد ملی کشورهای توسعه‌یافته است (مویر، ۱۳۷۹). ما اکنون در نظام اقتصادی نوینی که توسط رابانه‌ها، شبکه‌ها، پایگاه‌های اطلاعات که هر روز در حال گسترش هستند زندگی می‌کنیم و در این دنیا شکل کالاها و خدمات نیز دگرگونی یافته است و به اطلاعات، به عنوان یک کالای سرمایه‌ای نظر می‌شود.

این نظام با استفاده از فن‌آوری‌های نوین و شبکه‌های ارتباطی به تبادل اطلاعات می‌پردازد و علمی که به مطالعه اطلاعات و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های جدید، مثل تولید اطلاعات، گردآوری، و اشاعه جهت توسعه اقتصادی می‌پردازد اقتصاد اطلاعات نام

گرفته است. در این میان، کشورهای توسعه یافته با ایجاد پایگاه‌های عظیم و در اختیار داشتن فن‌آوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات عملاً نبض اقتصادی کشورهای در حال توسعه را در اختیار گرفته‌اند.

بنابراین، اطلاعات عامل اصلی کسب قدرت است و تسلط واقعی تسلط اطلاعاتی است. جنگ میان کشورهای غنی و فقیر در واقع جنگ اطلاعات است و کشورهای سلطه‌گر خواستار استمرار بهره‌جویی خود از منابع و ثروت‌های کشورهای عقب‌مانده هستند و علاقه‌ای به ایجاد زیربنای اطلاعات در کشورها ندارند. امروزه، بر اهمیت دانش و اطلاعات و نیز ابزارها و روش‌های توزیع انتشار آن توافق عمومی وجود دارد و نقش دانش و اطلاعات و انتشار آن بر سیاست و قدرت به صورت واقعی بدیهی درآمده است. دولت‌ها، حکومت‌ها، بازیگران سیاسی و نیز سازمان‌ها و مؤسسات محلی، ملی و بین‌المللی برپایه این امر سعی می‌کنند قدرت اطلاعاتی و معرفی خود را افزایش دهند تا بتواند بر رقبای خود پیشی بگیرند. شکل‌گیری ادبیات و اصطلاحات جدید نظیر تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و مانند آن ریشه در اهمیت‌یابی پدیده تولید، گردآوری و انتشار دانش و فن‌آوری در سرنوشت ملت‌ها و تولید قدرت و اقتدار و افزایش توان بازیگری در عرصه بین‌المللی برای بازیگران سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، فنی و غیره دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵).

### روابط فی‌مابین در «جغرافیای سیاسی و اقتصادی اطلاعات»

در بررسی روابط حاکم بر جغرافیای سیاسی - اقتصادی اطلاعات فرایندهای تولید، توزیع، و مصرف اطلاعات اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. زیرا دسترسی به اطلاعات و استفاده مؤثر از آن موجبات دسترسی به امکان تولید ثروت و قدرت را فراهم می‌آورد. بنابراین، اساسی‌ترین تفاوت میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، فاصله علمی یعنی توانمندی در تولید، کسب، اشاعه و کاربرد دانش علمی و فنی است و دسترسی به موقع به اطلاعات یکی از مهم‌ترین عوامل رشد اقتصادی به شمار می‌آید. چون اطلاعات سنگ بنای قدرت محسوب می‌شود، دسترسی به اطلاعات و توان بهره‌وری از آن می‌تواند برخی از کشورها را از نظر مزیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر سایر کشورها رجحان دهد. کشورهای جهان سوم از این مسئله وحشت دارند که عدم دسترسی به اطلاعات، از شرکت آنان در اقتصاد جهانی مبتنی بر اطلاعات جلوگیری کند و وابستگی آنان را به جهان توسعه یافته دائمی کند.

در این بین، برخی طرفداران ایجاد نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات سعی دارند تا دسترسی به اطلاعات به عنوان یک کالا و عامل تأثیرگذار در پیشرفت

اقتصادی و اجتماعی در جهان به صورت عادلانه و برابر انجام شود. به گونه‌ای که تولید، توزیع، و مصرف اطلاعات به عنوان شاخصی برای دست‌بندی افراد، ملت‌ها و مناطق جغرافیایی در قالب ثروتمندان و فقیران اطلاعاتی درآید. از آنجایی که اطلاعات کالایی است که در مقایسه با سایر کالاها ارزش‌افزوده فراوانی دارد و مصرف اطلاعات موجب اشباع نمی‌شود و همواره انسان‌ها به اطلاعات جدیدتر نیاز دارند. بازار این کالا نیز در مقایسه با سایر کالاها از رونق روزافزونی برخوردار است (حسن‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵).

در جهان امروز مرزبندی‌ها براساس مذهب، ملیت، منابع اقتصادی، سیاسی و سایر دست‌بندی‌ها شکل گرفته و مدام دچار تغییر و تحول می‌شود. یکی از این مرزبندی‌ها، نوعی دست‌بندی غیررسمی است که براساس عقاید خاص ایدئولوژیک یا دسترسی به منابع طبیعی و برخورداری از امکانات مادی و معنوی بشر بوده است. نمونه بارز این‌گونه مرزبندی‌ها شکل‌گیری دو بلوک شرق و غرب بعد از جنگ جهانی یا تقسیم جهان به سه قسمت جهان اول (کشورهای توسعه‌یافته)، جهان دوم (کشورهای در حال توسعه)، و جهان سوم (کشورهای توسعه‌نیافته) یا شمال و جنوب و مرکز بوده است (حسن‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹). چنین مجموعه‌ای از مقولات ناهمگن، از جهت بهره‌گیری از اطلاعات بین نواحی شمال و نواحی جنوب، بین ملل ثروتمند و ملل فقیر است. بیش‌ترین تولید اطلاعات در واحدهای سیاسی شمال انجام می‌شود. به دنبال آن بیش‌ترین توزیع اطلاعات نیز در همان واحدها و فضای جغرافیایی اتفاق می‌افتد و بالطبع بیش‌ترین مصرف اطلاعات نیز در همان مناطق انجام می‌شود. دنیای شمال اکثراً فرستنده و دنیای جنوب در بهترین حالت گیرنده اطلاعات و اخبار ارسالی است.

اما این دو نیم‌کره به لحاظ جمعیت و سرزمینی نیز با یکدیگر مساوی نیستند. منطقه شمال در جغرافیای سیاسی اطلاعات حدود یک چهارم فضای سرزمینی دنیا را تشکیل می‌دهد و سه چهارم بقیه متعلق به منطقه جنوب است. اما به لحاظ تولید، توزیع و مصرف اطلاعات سهم دنیای شمال نه دهم و سهم دنیای جنوب یک دهم یا کم‌تر است (زوی، ۲۰۰۱).

هرچند که محققان برجسته کشورهای جنوب در دانشگاه‌ها و مراکز علمی فعال در مناطق شمال مشغول تحقیق و تألیف هستند اما خود کشورهای جنوب نقش چندانی در تولید علمی جهان ندارند. از سوی دیگر، تولیدات علمی و اطلاعاتی دنیای جنوب برای جهانی شدن بایستی در نمایه‌های شکل گرفته در دنیای شمال نمایه شود. همان اطلاعات بایستی از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی کشورهای شمال برای شمال و جنوب دسترس پذیر



باشد. علاوه بر آن، تولیدات مذکور تا حد امکان بایستی به یکی از زمان‌های بین‌المللی (شمال) نوشته شود.

سرعت دسترسی به اطلاعات از طریق شبکه جهانی در دنیای شمال نزدیک به ۱۰۰ مگابایت در ثانیه است (پرز، ۲۰۰۳). در حالی که در دنیای جنوب کلریان در آرزوی دسترسی با سرعت ۱ مگابایت هستند. سواد اطلاعاتی در دنیای شمال روز به روز در حال افزایش و نهادینه شدن است، در حالی که مردم دنیای جنوب درگیر مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، اغلب از توجه به سواد اطلاعاتی باز می‌مانند. جنوب قادر به دسترسی به فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی نیست. از این رو، و به تبع موضوع نخست از همه نوآوری‌های فن‌آورانه و دانش‌مدارانه و حتی از دستیابی به برخی از فرآورده‌های حامل اطلاعات نیز محروم است. و این امر به جهت ژئوپلیتیکی مرز مشخصی بین امریکای شمالی (ایالات متحده امریکا و کانادا)، اروپای غربی و بخش‌هایی از اقیانوسیه و همه کشورهای جهان به وجود آورده است. به واقع، توزیع جهانی اطلاعات بر اساس «تولید اطلاعات» یا «تولید منابع اطلاعاتی» به صورت طیف نوری قابل اراکه خواهد بود. در بخش پررنگ، طیف کشورهای غنی و ثروتمند و در بخش کم‌رنگ، طیف کشورهای فقیر قرار دارند. این‌گونه کشورها به دلایل زیرساختی (از جهات ارتباطات و مخابرات) شالوده‌های اقتصادی و مبانی فرهنگی نمی‌توانند از جریان با انتقال آزاد اطلاعات در دو بخش شمالی و جنوب بهره گیرند. در نتیجه همه کشورهای غنی، قادرند از همه اطلاعات موجود در عرصه‌های مختلف کشورهای فقیر سود ببرند، ولی کشورهای فقیر قادر نیستند حتی از آنچه با دست‌ان خود تولید می‌کنند سود ببرند.

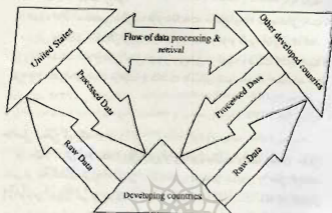
که در نتیجه آن:

۱. اقتصادهای توسعه‌یافته و فرا توسعه‌یافته به دلیل جامعیت و فراگیری اطلاعات قادر به اراکه اطلاعات همه‌جانبه‌نگر هستند و می‌توانند از طریق انتقال اطلاعات بر فرهنگ‌ها و حتی ملت‌ها اثر گذارنده و حرکات آنها را در جهت حرکات کلی جوامع قرار دهند.
۲. اقتصادهای توسعه‌یافته و فرا توسعه‌یافته می‌توانند با نفی اطلاعات کهنه، و جانشینی اطلاعات نو، رشد اقتصادی جوامع دیگر را کند و در مواردی در چارچوب رشد اقتصادی خود قرار دهند (ژئوپلیتیک اطلاعات: سیاست جغرافیایی در قلمرو اطلاعات).

ضعف زیرساخت‌های کشورهای به اصطلاح جنوب و این‌که شهروندان کشورهای توسعه‌نیافته مهارت‌های لازم برای شناخت نیاز، منابع اطلاعاتی، و استفاده از آنها را

ندارند. باعث ایجاد شکاف اطلاعاتی بین شهروندان کشورهای پیشرفته و عقب مانده می گردد.

همان گونه که شکل ۱ نشان می دهد، پهنای جریان بین المللی داده ها به شکل زیر است که در آنها، کشورهای کم توسعه صنعتی مواد خام را جهت پردازش به کشورهای صنعتی صادر کرده و سپس محصولات نهایی گران قیمت را خریداری می کنند. در غیاب ارتباطات مؤثر برای جمع آوری و ارائه علایق جهان سوم، رابطه وابستگی میان آنها و کشورهای صنعتی شدیدتر می گردد.



تصویر ۳. مسیر جریانهای فرسوزی داده ها

با توجه به این مسائل چالش های متعددی که در دسترسی به اطلاعات علمی و فنی

در کشورهای جنوب وجود دارد عبارتند از:

۱. توزیع نامتعادل ثروت در منطقه. به نظر می رسد فاصله دو به گسترشی در میان کشورها از نظر توسعه منابع وجود دارد و کشورهایی که اقتصاد ضعیف تری دارند برای کسب دانش نوین وابستگی بیش تری به کشورهای ثروتمند، سازمان های غیردولتی و سایر مراکز پیدا می کنند.

۲. مسائل فرهنگی. در مورد موجود بودن اطلاعات ملی با محلی و دسترسی به آن در حیطه بین المللی حساسیت وجود دارد. که البته این امر نتواند بحث دیگری را در مورد ارتباط میان جریان آزاد اطلاعات در مقابل سایر علایق ملی به همراه می آورد. مسائل فرهنگی، از جمله ارزش های مرتبط با میراث ملی، آداب و رسوم، زبان و امنیت ملی نکات مهم

- هستند. این امر نشان می‌دهد که، گرچه تولید اطلاعات و حرقه اطلاع‌رسانی امری جهانی به شمار می‌آید، سیاست‌های اطلاعاتی امری ملی هستند.
۳. مسائل ناشی از عدم دسترسی سازمان‌یافته. این امر شامل عدم کفایت نظام‌های رده‌بندی و بازیابی و نیاز به ایجاد و کاربرد استانداردهای مشترک است.
۴. کمبود امکانات پیشرفته فنی. مشکلات زیربنایی، ناکافی بودن پشتیبانی تجهیزات و مانند آن از جمله موارد موجود در این مقوله است.
۵. عدم رعایت حقوق مؤلفان. مالکیت معنوی به منزله بحثی مهم در سیاست ملی اطلاعات محسوب می‌شود.
۶. کمبود افراد متخصص. مدیریت مؤثر اطلاعات، مستلزم وجود تخصصی است که ارزش اطلاعات، چگونگی تولید، سازماندهی، جست‌وجو و کاربرد آن را درک کند.
- رشد خدمات اطلاع‌رسانی عامل مهم و زیربنایی در بهبود وضعیت کشورهای است و یکی از شاخص‌های عمده موفقیت یا شکست اقتصادی کشورهای در حال رشد است (انشاروت، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵-۱۲۲).

#### حاصل سخن این که

در جهان کنونی، ملاحظات ژئوپلتیکی و ژئواکونومیک به واسطه انقلاب حقیقی ناشی از تکنیک‌های نوین انشواتی - اطلاعاتی، داده‌های جدیدی را خلق کرده‌اند. ژئواکونومی چیزی غیر از ژئوپلتیک و یا اثر بر ژئوپلتیک نیست، بلکه ژئواکونومی جزئی از ژئوپلتیک و یکی از اندیشه‌های ژئوپلتیک در عصر حاضر است که به نقش و تأثیر جریان اطلاعات بر اقتصاد کشورهای مختلف می‌پردازد. تجمع و تولید اطلاعات در نقاط گوناگون، خود منجر به ایجاد مرزبندی‌های جدیدی در دنیای کنونی شده و جغرافیای جدیدی را خلق می‌کند که از آن به کشورهای شمال و جنوب یا مرکز یاد می‌شود؛ این جغرافیا از یک سو بر توسعه سیاسی و از طرف دیگر، بر توسعه اقتصادی ملت‌ها تأثیر گذار است.

در عصر حاضر، اطلاعات در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی از تمام کالاهای مادی دیگر حائز اهمیت بیش‌تری شده است. با توجه به این که یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها و ابزارها در توسعه اطلاعاتی و نیل به جامعه‌دانی محور تسریع و تسهیل در جریان آزاد اطلاعات است کمک به سیال‌سازی جریان اطلاعات هم در میان جوامع و هم در درون جوامع که در حالت نامتعادلی قرار دارند و نیز تفاوت در سرعت دسترسی به اطلاعات در نقاط مختلف جهان از جمله عواملی است که باید به آنها توجه گردد تا شکاف اطلاعاتی، به وجود آمده از بین برود.

### ماخذ

- استوارت، رابرت دی. (۱۳۸۳). بحران اقتصادی و چالش‌های دسترس به اطلاعات علمی و فنی در آسیا. ترجمه سعید غفاری اطلاع‌شناسی، سال دوم، شماره ۲، زمستان، ص ۱۱۵-۱۲۲.
- حسن‌زاده، محمد (۱۳۸۳). مروری بر مفهوم و ابعاد جغرافیای سیاسی اطلاعات. اطلاع‌شناسی، (۳) ۵، بهار، ص ۱۰۹.
- دورویان، محمدرضا (۱۳۸۴). اطلاعات و جامعه. تهران: دبیرش
- سازمان، جردالت، جان ای. (۱۳۷۷). ارتباطات فراملی و جهان سوم. مترجم طاهره زینااحمدی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- مرس، مرسانه، ویسی، مادی (۱۳۸۵). تحلیل ژئوپلیتیک و ژئواکونومی خط لوله گاز ایران - هند. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره دوم، تابستان، ص ۲۷-۲۵.
- موزنی، عزت‌الله (۱۳۸۲). ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم. تهران: سمت
- کعب، جفری، هارکاو، رابرت (۱۳۸۳). جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه سیدمهدی حسینی‌منین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کولایی، الهه (۱۳۸۴). جغرافیای سیاسی و اقتصادی کشورهای حاشه دریای خزر تعامل و هم‌راستی با جامعه جهانی، پیام دریا، شماره ۱۶۲، مرداد و شهریور، ص ۲۷-۲۷.
- متفکر، حسین (۱۳۸۶). استراتژی‌های ژئوپلیتیکی آمریکا و امنیت ملی ایران. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴، پاییز، ص ۱۹۳-۲۲۶.
- محمدی، مهدی (۱۳۸۶). آیا اطلاعات می‌تواند ثروت محسوب شود؟. اطلاع‌شناسی، ۲ (۲) و ۲، بهار و تابستان، ص ۱۸۸.
- مویز، ریچارد (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحبیبی، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- میرحبیبی، دره (۱۳۸۶). مبانی جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات سمت.
- نشاط، نوکس (۱۳۸۱). جامعه اطلاعاتی. دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، ج ۱، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- مورد، رابرت (۱۳۸۵). جغرافیای توسعه در جهان و ایران. فصلنامه علمی، ناصر جوادی، تهران: نشر قومس، ص ۲۲۵-۲۳۲.
- باری، فهیمه (۱۳۸۵). بررسی دو واژه ژئوپلیتیک و ژئواکونومی از منظر جغرافیای سیاسی.
- Castells, M. (2000). *The rise of the network society*. Oxford: Blackwell publishers, Elgar publishing.
- Kumar, R. P.; Srivastava, Divay (eds) (1996). *Role of libraries in national development*. Delhi: India Library Association.

- Nexter, William (1995). *International relations: geopolitical and geoeconomic conflict and cooperation*. New York: Harper Collins College Publishers.
- Perez, F. (2003). *Technological Revolutions and Financial Capital*. Cheltenham, UK: Edward.
- Spiek, Matthew (1998). From geopolitics to geoeconomics: transnational state effects in the boederlands. *Geopolitics*, Vol. 3, No. 2, (Autumn): 62-98.
- Zook, M. (2001). Old hierarchies or new network of centrality? The global geography of the internet content market". *American Behavioral Scientist*, 44 (10).



ژئو، شکار علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی